



– خلاصه‌ای از مباحث دو جلسه گذشته:

- ۱) استطاعت: توان راغبانه برای انجام یک کار
- ۲) تفصیل: تبیین جزئیات یک کار، علم، باور(مقدمه، لازمه، نتایج)
- ۳) اتخاذ سبیل: مسیر «از»، «تا» مقصد (انتخاب، استطاعت، طی شدن)
- ۴) موانع عدم استطاعت، عدم تفصیل، عدم اتخاذ سبیل
- ۵) عوامل محرک استطاعت، تفصیل، اتخاذ سبیل
- ۶) انواع مقابله با نظام وحی و نبوت: افک / افترا / ادعای اعانت دیگران / اساطیر بودن
- ۷) رسیدن به تفصیل از راه‌های ایجابی و سلبی
- ۸) صرف و نصر که در اختیار استطاعت انسان است.
- ۹) ارتباط نذیر، غیب و سرّ
- ۱۰) مهجور بودن قرآن
- ۱۱) راجع به خود فرقان و فرآیند آن
- ۱۲) ارتباط نبوت و توحید (چگونگی) (آیه ۲)

ادامه آیات:

آیات ۲۱ تا ۲۷:

| |
|--|
| <p>﴿ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْ لَمْ أَنْزَلْ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةَ أَوْ نُرِيَ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا ﴾ (۲۱)</p> <p>و کسانی که به لقای ما امید ندارند، گفتند: «چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند یا پروردگاران را نمی‌بینیم؟» قطعاً در مورد خود تکبر ورزیدند و سخت سرکشی کردند. (۲۱)</p> |
| <p>﴿ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى لِلْمُجْرِمِينَ وَ يَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا ﴾ (۲۲)</p> <p>روزی که فرشتگان را ببینند، آن روز برای گناهکاران بشرتی نیست، و می‌گویند: «دور و ممنوع [از رحمت خدایید.]» (۲۲)</p> |
| <p>﴿ وَ قَدَّمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا ﴾ (۲۳)</p> <p>و به هر گونه کاری که کرده‌اند می‌پردازیم و آن را [چون] گردی پراکنده می‌سازیم. (۲۳)</p> |
| <p>﴿ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقْرَأً وَ أَحْسَنُ مَقِيلًا ﴾ (۲۴)</p> <p>آن روز، جایگاه اهل بهشت بهتر و استراحت‌گاهشان نیکوتر است. (۲۴)</p> |
| <p>﴿ وَ يَوْمَ تَشَقُّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَ نُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا ﴾ (۲۵)</p> <p>و روزی که آسمان با ابری سپید از هم می‌شکافتد و فرشتگان نزول یابند! (۲۵)</p> |
| <p>﴿ الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَانِ وَ كَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴾ (۲۶)</p> |

آن روز، فرمانروایی بحق، از آن [خدای] رحمان است و روزی است که بر کافران بسی دشوار است. (۲۶)

و يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (۲۷)

و روزی است که ستمکار دستهای خود را می‌گزد [و] می‌گوید: «ای کاش با پیامبر راهی برمی‌گرفتم.» (۲۷)

- آیه ۲۱: شبهه‌ای جدید برای مقابله با پیامبر را بیان کرده است. یعنی یکی از عوامل استطاعت و عدم تفصیل در زندگی یا یکی از عوامل مقابله با وحی و رسول (عتو) است.

- عتو (التحقیق): تجاوز از حد در راه شر و فساد

- طغیان ولی با شدت بیشتر ← در طغیان زیاده‌روی می‌کند. ← رفتاری

حس‌گرایی در این افراد به تدریج ایجاد می‌شود و بسیار شدید است.

- مشاهده ملائکه با رؤیت حسی
- مشاهده پروردگار با رؤیت حسی
← باوری

هر مقدار انسان در طغیان یا در تجاوز از حدش پیشرفت کند در ناحیه باور «حس‌گراتر» می‌شود.

- آیه ۲۲: خدا این طغیانگران را «مجرمین» نامیده است.

- مجرمین وقتی حرف حق را می‌شنوند حالشان بد می‌شود (سوره حجر).

- مجرم به واسطه جرمی که انجام می‌دهد، قابلیت شنیدن حرف حق را از دست می‌دهد.

- به مجرمین «محجور» هم گفته می‌شود. محجور به معنای دیوارچین و سنگ‌چین شده است.

- محجور (حضرت علامه): ممنوع شده با تحریم

- آیه ۲۳: حضرت علامه «عمل» را موجب معیشت بعد از مرگ می‌دانند.

- وقتی گفته می‌شود «هَبَاءٌ مَّنْثُورًا» یعنی فرد عملی ندارد که بخواهد زندگی و معیشت داشته باشد.

- «عمل در زندگی انسان» مانند امضای آخر نامه است که آن را ثبت می‌کند. «عمل» ثبت‌کننده باور است.

- اگر مهر عمل پای اعتقاداتمان نخورد، بدون اعتبار است. اگر عمل به صورت «هَبَاءٌ مَّنْثُورًا» باشد، این عمل تباه‌کننده اعتقادات خواهد بود.

- «عمل»، دو کار می‌تواند انجام دهد:

✓ کار «عمل صالح»، «ثبت» است. (ثبت باورهاست)

✓ کار «عمل غیر صالح»، «حبط» است. (مجموعه باورهای فرد را نسبت به خود، هستی و هستی‌آفرین می‌سوزاند و خاکستر می‌کند)

- آیه ۲۴: در این آیه اصحاب‌الجنه با دو صفت معرفی شده‌اند: ۱- مستقر ۲- مقبل (هر دو اسم مکان هستند)

✓ مستقر: یعنی محل استقرار

✓ مقبل: از قیلوله گرفته شده که کنایه از آرامش است.

مستقراً ← قرار / خیر (خیر مؤلفه تفکر است).

اصحاب جنه

مقبل ← قیلوله / آرامش / أحسن (حُسن مؤلفه بلوغ عقلی یا مؤلفه عاقبت‌اندیشی است).

- حَسَن و خَیْر، هر دو را «خوب» معنی می‌کنیم در حالی که خَیْر در مقابل «شَر» مطرح می‌شود ولی حَسَن در مقابل «سوء».

- آیات ۲۵ و ۲۶ درباره قیامت و کیفیت آن سخن می‌گویند.

- آیه ۲۶: «الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَانِ»: حضرت علامه، مالکیت مطلق را در روز قیامت از خدا می‌دانند یعنی در این روز اسباب به کلی از کار می‌افتد.

- اگر انسان می‌داندست و درک می‌کند که در یکی از دوره‌های رشدش، روزی می‌رسد که اسباب دیگر کار نمی‌کنند، می‌فهمید که اسباب در این دنیا حکم بازی و یا اعتبار دارند.

- خدا مجبور نیست برای سیر کردنمان غذا قرار دهد. برای خلق کردن و دوام حیات مخلوق هیچ چیزی غیر از اراده خود خدا در کار نیست.

- خدا با آوردن معجزاتی مانند حضرت عیسی، حضرت یونس، ناقه صالح و ... خرق عادت کرده تا نشان دهد بدون اسباب هم می‌تواند و مجبور به اسباب نیست.

- سوره «فرقان» درباره رسولی سخن می‌گوید که با وجود طبقاتی بودن عالم، وقتی روی زمین می‌آید مانند بقیه تنفس می‌کند، مانند بقیه غذا می‌خورد و ...

- خداوند رسول خودش را بشر قرار داده و تمام شئون بشری را در او قرار داده است. وقتی با رسول برخورد می‌کنیم از وجه بشری است.

- رسول برای اینکه ما آخرت را بپذیریم استدلال عقلی می‌آورد و ما هم باید با عقل بپذیریم. رسول برای پذیرش آخرت از امکانات خارق‌العاده آن عالم استفاده نمی‌کند.

- دغدغه ما شنیدن حکم خدا و عمل به آن باید باشد و با خداست که بعد از شنیدن حکم خدا و عمل به آن، خدا چه چیزی برای ما در نظر می‌گیرد.

- رسول آمده تا بگوید: «خدا را بپرستید چون لایق پرستیدن است» نه اینکه بخواهد از این مسئله به اجر و مزد از جانب مردم برسد.

- انسان لازم است در دنیا به اذن خدا از اسباب، در جهت ارتقاء باورها و عملش حداکثر استفاده را بکند. چون دنیا، دار اسباب است و آخرت «الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَانِ» است.

- نکته: «کفر» در سیستم ادراکی انسان اثری می‌گذارد که اصلاً امکان فهم خوشی برای کافر باقی نمی‌ماند. یعنی فرعون حظّ انسانی- ای که خدا برای رزق قرار داده، از رزق نمی‌برد. در سوره مبارکه اعراف آمده که مجموعه خوشی‌های حیات دنیا صرفاً نصیب مؤمنین می‌شود و لاغیر. زیرا درک غیر مؤمن از دنیا و خوشی‌های آن درک غریزی است و درکی بالاتر نمی‌تواند داشته باشد.

- جلسات قبل بیان شد:

* «اصحاب جنّت» دو خصوصیت دارند:

✓ (۱) خیر مستقر ← ثبات

✓ (۲) أحسن مقیل ← آرامش

* «اصحاب نار» ← عسیر

- مهم ترین عواملی که در دنیا انسان را از غم و اندوه نجات می دهد دو عامل «خیر مستقر» و «أحسن مقیل» است یعنی ثبات و آرامش و مهم ترین عاملی که زندگی را سخت می کند نداشتن این دو است.

زنگ دوم:

راه های آشتی با پیامبر

راه های ارتباط با پیامبر

آیه ۲۷:

| صفات | | رفتار | | عواطف | | باور | |
|---|-------------------------------------|---|---|-------------------------|------------------------------------|--|-------------------------------------|
| مجرم بودن | صابر بودن / استمرار در راه حق | مصاحبت با دوستان غافل- کننده از ذکر | دوری از دشمنان رسول (مجرمین) | امید نداشتن به قیامت | ملموس کردن جذابیت های دین | عدم باور به قرآن | درک برطرف- کننده نیاز (تفصیل) |
| پافشاری بر آلهه | * تثبیت فؤاد | انصراف از ذکر و قرآن تکذیب و موضع گیری علیه آیات + رسول | سبیل سازی برای رفع مهجوریت قرآن (مقاصد، انگیزه ها)+ انجام احکام الهی | جدی نگرفتن راه خدا | * طلب فهم قرآن | کافی ندانستن خداوند به عنوان هادی و نصیر | * باور به نامحدود بودن نیاز |
| ورود به صفات حیوانی که به وسیله عدم تعقل و عدم فعال شدن سمع | | طرد احکام الهی | درک نیاز (تفصیل) | | | مثل دانستن برای خدا | * بهره مندی از عقل |
| گمشدگی در مسیر خدا | | برای ذکر شرایط گذاشتن | تطبیق با آیات تبعیت از ولی | | | انکار آسمانی بودن قرآن | نگاه تفصیلی به آیات |
| | | انخاد هوی به عنوان آلهه | | | | عدم باور مندی نسبت به آخرت | |
| | | خروج از وکالت پیامبر | | | | آیه ندیدن آیات الهی | |
| | | | | | | راه هدایت را به غیر از قرآن متصور می شود | |

- توجه: کسی که در مسیر خدا احساس گمشدگی کند باید در داشتن عقل و سمع خود شک کند.

- فضای این آیات با آیات قبل متفاوت است. این آیات درباره «تبیین آیات الهی» سخن گفته است.

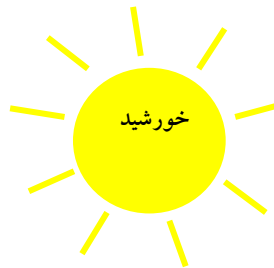
- در این آیات همه خطابها به رسول است. بنابراین وظایف رسول و شئونات رسالت را تبیین می‌کند. یعنی شئونات کتاب قرآن را می‌بینیم. اینکه قرآن چه کتابی است؟ رسول کیست؟ سپس به معرفی عبادالرحمان می‌پردازد. بنابراین این آیات باید به سئوالات زیر پاسخ دهد:

(۱) وظایف و شئونات رسالت؟

(۲) شئونات کتاب و قرآن؟

(۳) قرآن چه کتابی است؟ رسول کیست؟ معرفی عبادالرحمان؟

- افق دید خود را با تصحیح و ارتقاء نگرش نسبت به هستی، با رسول تقویت کنیم.



- رسول، وقتی سایه و امتداد سایه را مشاهده می‌کند، «خورشید» را دلیل بر وجود سایه می‌بیند.

- توجه: «سایه» اثر وجود است نه اثر موجود.

- سؤال برای جلسه آینده:

اگر بخواهیم موضوعات زندگی را بر اساس تمثیل آیه ۴۵ و ۴۶ بنگریم، چگونه است؟

یعنی چگونه می‌شود چیزی را ببینیم و به «وجود» پی ببریم نه به شیء؟

- از نوع قرار گرفتن شیء در برابر خورشید، جهت‌ها مشخص می‌شود.

- برای هر کار و مسئله‌ای در عالم شب، روز، نهان و آشکاری وجود دارد.

- شب و روز خلفه هم هستند و می‌توانند کاستی‌های یکدیگر را جبران کنند.

یا رسول الله دست ما را بهم بگیر

اللهم صل علی محمد و آل محمد و الحمد لله رب العالمین